من با کشیشی کانادایی به نام *دان* مصاحبه کردم که تجربه‌ای 40 ساله در امر کشیشی دارد. او تحصیلاتی متعادل، تجربه‌ای فراوان در کمک به جفا دیدگان و همچنین تجربه جفای شخصی قابل توجهی دارد. مدت زمانی که او در مدرسه کتاب مقدس و دانشگاه الهیات سپری نمود، او را برای خدمت رسانی به جفا دیدگان به شکلی عالی آماده ساخت. متن این مصاحبه به شرح زیر است:

مصاحبه کشیش

1- وقتی به تجربه شبانیتان برای جفادیدگان فکر می‌کنید، چه زمانی چیزی اشتباه به آنها گفتید؟ چه نوع تسلی و یا مشاوره‌ای به جفادیدگان داده‌اید؟

"من در حال اتمام مدرسه کتاب مقدس بودم که مادر بزرگم فوت کرد. او یک پرزبیترین[[1]](#footnote-1) اسکاتلندی بود که در تمامی سالهایی که می‌شناختمش هرگز در کلیسا شرکت نکرد. من به مراسم تدفین او رفتم که توسط خادمی از روی یک کتاب خوانده می‌شد. او حتی نام مادربزرگم را هم به درستی در اختیار نداشت و من نتوانستم با سرعت لازم آنجا را ترک کنم و همین شد که سوگند خوردم هرگز با خانواده‌ای چنین برخوردی نکنم. من برای اینکه بتوانم داغ‌دیدگان را تسلی دهم، می‌بایست شخص فوت شده را از دید عزاداران می‌شناختم و امروز بر این باورم که به یادماندنی‌ترین مراسم تدفین، مراسمی است که توسط یکی از اعضای خانواده متوفی و با کمک کشیش نوشته شود.

گاهی صحبتی که می‌کردم صحیح بود ولی زمانش اشتباه بود. گاهی دیگر صحبتم اشتباه بود ولی به خاطر شرایطی که خانواده داشت، بدون مشکل از آن عبور کردم. من از سنین جوانی توسط جفاهای زیادی برکت گرفته‌ام. والدین من به الکل اعتیاد داشتند و هرگاه پدرم مست می‌شد مرا مورد ضرب و شتم قرار می‌داد. او به خواهرم تجاوز کرد و زندگی برادر کوچکم را در سنین کودکی با کوبیدن سرش به دیوار تباه کرد. ترک کردن خانه در سن یازده سالگی خود نوعی کاملاً متفاوت از جفا بود. من به دنبال پاسخی برای همه این جفاها بودم و به همین خاطر شروع به مطالعات وسیعی برای یافتن آن در زندگی خود کردم. وقتی چیز معناداری پیدا می‌کردم، آن را جایی نگه می‌داشتم. تا امروز کتابهای ***در راه‌های شخص رنج دیده*** نوشته جان کلایپول، ***جفا*** از سی.اس.لوئیس، و همه کتابهای گوردون مک دونالد که به جفا و ناعدالتی می‌پردازد را دوست داشته‌ام. همه اینها مطالب بسیاری را پیرامون عشق و محبت پدر به فرزند جفا دیده‌اش آموخته‌اند. تیموتی کلر کتاب بسیار خوبی درباره جفا به نام ***قدم زدن با خداوند در میان جفا و درد*** دارد که جان من را بسیار تسلی داده است.

من خیلی زود آموختم که متحمل جفا بودن به من اجازه می‌دهد تا به افرادی که بسیار مسن‌تر از من هستند کمک کنم. متحمل بودن به من کمک می‌کرد که گوش کنم و من واقعاً می‌دانستم که صدمه دیدن به چه معناست. در همین مسیر جفایی کاملاً جدید برایم اتفاق افتاد؛ معشوقه دوران دبیرستانم که همسرم شده بود، هفت ماه پس از اطلاع از اینکه دچار سرطان است جانش را از دست داد. بار دیگر شروع به کندوکاو و مطالعه کردم تا به پاسخی برای این پرسش بزرگ برسم: ***خداوند در زمان مشکلات کجاست؟*** من معتقدم که وقتی درباره تجربه شخصی خود صحبت می‌کنی، مردم حس می‌کنند و با دریافتن این حقیقت که تو هم جفا دیده هستی، تسلی می‌یابند.

به صورت خلاصه من، خودم را به آنها نشان می‌دهم و آنها را به سمت فیض و رحمت خداوند هدایت می‌کنم. زمانیکه مرم متوجه می‌شوند که شما هم جفا کشیده هستید و در آن موقعیت قرار داشتید، نسبت به چگونگی عبورتان از میان همه آن سختی‌ها علاقه‌مند می‌شوند. من می‌توانم در کمال صداقت درباره خودم بگویم که محبت و رحمت خداوند مرا از میان سختی‌ها عبور داد و هرچه من ضعیف‌تر بودم او قوی‌تر بود."

2- آیا دانشگاه الهیات برای آماده سازی شما در راستای کمک به جفا دیدگان کمکی کرد؟ چه چیزی به شما کمک کرده است تا برای این بخش از خدمات شبانیتان آماده شوید؟

"بله، دانشگاه الهیات ابزار لازم را در اختیارم قرار داد تا بتوانم منابع مورد نیاز در زندگیم را پیدا کنم و آن را با دیگران به اشتراک بگذارم. من با کمک استادان زیادی روی جفاهای شخصی خودم کار کردم و آنها مرا به سمتی که باید حرکت می‌کردم راهنمایی کردند. آنها اغلب با استفاده از تجربه‌های جفا و درد شخصی خودشان، به صورت عملی به من آموختند که زندگیم را با دیگران به اشتراک بگذارم و تظاهر نکنم که همه چیز را می‌دانم.

من همچنین دوره‌ای را پیرامون مشاوره گذراندم که مرا در مطالعات و تفکراتم راهنمایی کرد. باید اعلام کنم که تجربه من در مدرسه کتاب مقدس و سپس در دانشگاه الهیات، مرا به صورتی عالی برای خدمت به رنج دیدگان آماده ساخت.

3- آیا شما الهیاتی برای جفا یا راهی که به شما کمک کند تا متوجه شوید چرا اتفاقات بد می‌افتند دارید؟ آیا این چیزی است که برای خودتان نگه دارید یا آن را با دیگران در اشتراک می‌گذارید؟

"بله، من الهیاتی پیرامون جفا دارم که آن را در طول سالهای متمادی در مقابل الهیات پوچ "انجیل سلامتی" پرورانده‌ام. من معتقدم که جفا کیفیت عادی هر شخص متولد شده است که گهگاه در گوشه‌ای امن درد و جفای کمتری را تجربه می‌کند. خداوند برای مدت زمان زیادی ما را در خلوتمان تنها نمی‌گذارد بلکه باید بازگردیم و به مسیرمان ادامه دهیم. دعوت مسیحیت، برداشتن صلیب و پیروی کردن هر روزه عیسی است که به معنای جفا کشیدن ارادی هر روزه برای مسیح است. خداوند از ابتدای کتاب مقدس جفای نسل بشر را ثبت کرده است؛ ما چطور انتخاب کردیم که گناه کنیم و خداوند چطور انتخاب کرد که در طول این مسیر پر درد همراهیمان کند! او جفا را از سر راهمان برنمی‌دارد بلکه همراه با ما از میان تمامی آنها عبور می‌کند. او به ما نشان می‌دهد که محبتش برای همه ما چقدر عمیق‌، وسیع و بلند است! بدون توجه به اینکه چقدر باعث به وجود آمدن جفا برای خودمان و دیگران شده‌ایم.

ما در دنیایی بسیار فریبکار زندگی می‌کنیم که باید فکر کنیم همه شاد هستند و همه چیز در زندگیشان عالی است. پس ماسکی به صورت می‌زنیم و این دروغ را به عمل می‌آوریم ولی من این کار را نکردم. حقیقتاً زندگی سرشار از جفا و درد است ولی زمانیکه با خداوند در آن قدم می‌زنیم، سرشار از معجزه خواهد بود. من قبلاً بیدار می‌شدم و به این فکر می‌کردم که چه کاری برای خدا انجام دهم ولی اکنون دعا می‌کنم که با کمک خداوند بتوانم ببینم او در حال انجام چه کاری است و از آن لذت ببرم.

من این را از تریبون کلیسا با دیگران درمیان می‌گذارم؛ به مردم می‌گویم هیچ اشکالی ندارد که بپذیرید در حال رنج دیدن هستید. همچنین مشکلی نیست اگر کسی اقرار کند که از مشکلات روحی-روانی مثل افسردگی، عصبانیت و نفرت رنج می‌برد. تنها راه خلاصی از این مشکلات این است که متوجه نیازمان به فیض خداوند شویم و قبول کنیم که در زندگیمان در چه جایگاهی قرار داریم."

4- چه تمرینهایی را انجام می‌دهید تا شما را در خدمت کردن به رنج دیدگان کمک کند؟

"من آموخته‌ام که پیش از صحبت کردن گوش کنم. سوالاتی باز می‌پرسم و اجازه می‌دهم افراد احساسشان را بیان کنند و من هم اگر بتوانم احساسم را راجع به آن موضوع با آنها درمیان می‌گذارم. بسیار دعا می‌کنم و تلاش می‌کنم با اعتراف به غرور و نااطاعتی، قلبم را از گناه پاک کنم تا همیشه یادم باشد که من تنها کانالی برای فیض خداوند هستم. سخت تلاش می‌کنم که عادل شمرده شدن از طریق اعمال را موعظه نکنم و وقتی کلام می‌گوید که ما نمی‌توانیم عملی انجام دهیم بلکه نیازمند فیض او هستیم، به مردم نگویم که می‌توانید این کار یا آن کار را انجام دهید. همچنین ایجاد رابطه با رنج دیدگان و تقویت کردن آنها موضوع بسیار مهمی است که نیاز به زمان، پیگیری و دعای فراوان دارد.

5- آیا متون خاصی از کتاب مقدس هستند که شما برای تسلی خودتان و یا افراد کلیسا به آنها مراجعه کنید؟

"زندگی داود پادشاه حاوی مطالب مهمی درباره فیض خداوند و گناه انسان است. داود یک زانی، دروغگو، پدری افتضاح و همسایه و همسری پست بود. او با وجود همه اینها مزامیر را می‌نویسد. اینها به من می‌گویند که وقتی من در ته چاه هستم، خداوند هم با من در چاه است. خداوند علیرغم اینکه داود انسانی افتضاح بود، او را نجات داد. مزامیر برای من و آنانی که خدمتشان می‌کنم تسلی عظیمی هستند. من معتقدم که مزامیر بسیاری از مواقع به دلیل پاک و اصولی انگاشتن زندگی داود، اشتباه تفسیر شده‌اند. ما داود را به عنوان مظهری تابان از موفقیت بالا می‌بریم در صورتیکه او استوره‌ای از شکست است. نگاه کردن به مزامیر از این لنز باعث زنده‌تر و تاثیرگذارتر شدن آنها برای من می‌شود و به این شکل به من بیشتر کمک می‌کنند؛ کسی که دقیقاً مانند او یک کثافت تمام عیار است."

اندیشه من

با توجه به این مصاحبه، مباحثات داخل کلاس و تجربه شخصی من، می‌توان گفت که جفا واقعی است و شنونده بودن مهم‌ترین واکنشی است که می‌بایست در مقابل شخص جفا دیده انجام داد. همچنین اعتقاد راسخ دارم که مطالعه بیشتر درباره الهیات جفا و کتاب مقدس تمریناتی هستند که مرا در خدمت شبانی نگه می‌دارند.

جفا واقعی است؛ رنج را هر روز در خدمات مشاهده می‌کنیم. یکی از مشکلات رایجی که در خدماتمان با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، خطر دستگیری افراد به خاطر مسیحی بودن است. مشکل دیگر این است که پناهندگان به سختی کار می‌کنند ولی دستمزدشان را دریافت نمی‌کنند و برای رفع نیازهای روزانه‌شان با مشکلاتی عدیده مواجه می‌شوند. همچنین بسیاری دیگر از بیماری‌های مختلفی رنج می‌برند و نمی‌توانند مراقبت درمانی مناسب را دریافت کنند. بدتر از همه اینها خانواده‌ هایی هستند که عزیزانش را از دست می‌دهند و نمی‌توانند برای عزاداری و همراهی، نزد خانواده‌ی خود بازگردد. در میان همه این مثالهای وحشتناک، افرادی هستند که به صورت فیزیکی مورد شکنجه‌هایی از قبیل تجاوز یا حتی شکنجه‌های روانی قرار گرفته‌اند که مشخص هم نیستند. جفاهایی که امروزه در دنیا وجود دارد آنقدر متفاوت و گسترده هستند که نمی‌توان فهرست کاملی از آنها تهیه نمود.

در موقعیتی که ما قرار داریم، صحبت درباره جفایی که شخص دیگری کشیده، می‌تواند این احساس را به شخص القا کند که سعی داریم جفایی که او متحمل شده‌است را کمرنگ کنیم. بنابراین گفتن چیزهای زیاد، کمکی به حال شخص نمی‌کند بلکه بهتر است که با گشاده‌رویی اجازه دهیم او صحبت کند. گاهی مردم ترغیب می‌شوند که بگویند "این چیزها برای همه اتفاق می‌افتد" یا به اشکال دیگر رنج او را پیش پا افتاده جلوه دهند که این هم تنها شخص جفا دیده را ناراحت‌تر می‌کند. مردم دوست دارند شنیده شوند و خیلی وقت‌ها هم راه حل مشخصی برای دردشان وجود ندارد چرا که اگر بود، احتمالا خودشان درباره‌اش فکر می‌کردند. بنابراین گوش کردن به آنها می‌تواند محبت‌آمیزتر و ثمربخش‌تر از مشورت دادن باشد.

از طرفی اگر شخص با این سوال مواجه است که وقتی او جفا می‌دید خداوند کجا بوده است، یک پاسخ خردمندانه می‌تواند بسیار مناسب باشد. خداوند کاملاً از رنج آگاه است و به طریقی آن را برای جلال خویش استفاده خواهد کرد. او خدای اِکسنِهیلو[[2]](#footnote-2) است! او می‌تواند همه چیز را از هیچ چیز به وجود آورد؛ او می‌تواند موقعیت را تغییر دهد و تاریخ را تغییر دهد. من معتقدم که او نهایتاً موقعیت همه را تغییر داده و بازسازی و ترمیم را در آسمان و زمین جدید به عمل خواهد آورد. به طور کلی کسی نمی‌تواند پاسخ کاملی برای این پرسش ارائه دهد چون دانسته‌های ما از کتاب مقدس و دنیایی است که در آن زندگی می‌کنیم. خلقت خداوند راجع به شخصیت او به ما توضیح می‌دهد ولی دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، همه‌ی تصویر نیست و نمی‌توان انتظار داشت که همه چیز درست به انجام برسد. پاسخی که دان به این پرسش داد و به رنج مسیح اشاره کرد، می‌تواند برای درک بهتر این موضوع کمکمان کند. خداوند می‌خواهد رنج‌های ما را بردارد و وارد دردهای ما شود. این قطعا به ایمانداران واقعی کمک می‌کند که متوجه شوند تنها نیستند.

مطالعه می‌تواند شما را با ایده‌های مختلف آشنا سازد و ذهنتان را بازتر کند. همچنین می‌تواند جهانبینی‌های مختلف نسبت به جفا و روش‌های برخورد با آن را نشان دهد. بسیاری از فرهنگ‌ها بر این باورند که فهم جفا باید نسبت به روش برخورد شخص با مشکلات پیرامونش صورت گیرد. فرهنگهای دیگر معتقدند که نه خداوند، بلکه خودشان هستند که جفاها را بر سر خودشان می‌آورند. در آمریکای شمالی اغلب می‌گویند چرا خداوند دنیا را از شرارت پاک نمی‌کند. البته او این کار را با نجات مردم و مراقبت از جانهایشان انجام می‌دهد. این دنیا موقتی است ولی دنیای پیش رو ابدی است؛ این زندگی ما با ایمان مانند لحظه‌ای خواهد بود ولی زندگی بعدی ما تا ابد ادامه خواهد داشت.

بر اساس کتاب مقدس، می‌توان اشخاص را به مزامیر، ایوب، حبقوق و فلیپیان ارجاع داد چراکه در آنها راجع به مشکل شرارت و جفا صحبت می‌کند. در این قسمتها می‌توان افرادی را دید که عمل درستی انجام می‌دهند ولی با برخوردی اشتباه -حداقل از دید ما- مواجه می‌شوند. با مطالعه این مثالها می‌توان آموخت که چگونه باید به جفا پاسخ داد و تسلی گرفت.

جفا در این زندگی از ما دور نخواهد شد و شرارت بخشی جداناشدنی از زندگی روزمره ماست. همچنین ما پاسخ همه پرسشها را نداریم بلکه باید به افرادی که خدمتشان می‌کنیم خوب گوش دهیم و وارد دردشان شویم و سعی کنیم با پذیرا بودن آنها، محیطی را مهیا کنیم که بتوانند مشکلاتشان را مطرح کنند. یادگیری و صرف زمان برای تعلیم گرفتن قسمت مهم آماده شدن برای کمک به دیگران است. کتاب مقدس سرشار از مثالهای مختلفی از جفا است و مهم‌تر از آن نشان می‌دهد که خداوند وارد دردهای ما می‌شود و ما را امیدوار می‌سازد که به زودی در آسمان و زمین جدید با او خواهیم بود.

تهیه شده توسط انستیتو کتاب مقدس پارسیان pbi.life

1. Presbyterian [↑](#footnote-ref-1)
2. Ex nihilo [↑](#footnote-ref-2)